

سیری در زندگی امام مولانا محمد قاسم نانوتوی رحمۃ اللہ علیہ

مصلح و احیاگر قرن سیزدهم هجری و بنیانگذار دارالعلوم دیوبند

تألیف: علامہ سید مناظر احسن گیلانی رحمۃ اللہ علیہ

ترجمہ و اقتباس: صلاح الدین شهنوازی

Buti, Muhammad Said Ramazan

بوطی، محمد سعید رمضان

سیری در زندگی حضرت امام مولانا محمد قاسم نانوتوی / تألیف: مناظر
احسن گیلانی؛ - ترجمه و اقتباس: صلاح الدین شهنوازی. - زاهدان: صدیقی، ۱۳۸۳.

ISBN 964_8274_13_4

۱۳۵ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتاب حاضر ترجمه و تلخیص از کتاب «سوانح قاسمی»: تألیف مناظر احسن گیلانی
است که مترجم مطالبی را بر اصل کتاب نیز افزوده است.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. نانوتوی، محمد قاسم، ۱۸۳۲-۱۸۸۰ م. ۲. گیلانی، مناظر احسن، ۱۸۹۲-۱۹۵۶ م. سوانح

قاسمی - اقتباسها. ۳. مجتهدان و علما - هند - سرگذشتنامه. الف. گیلانی مناظر احسن،
۱۸۹۲-۱۹۵۶ م. سوانح قاسمی. ب. عنوان. ج. عنوان: سوانح قاسمی.

ش ۲۵ / ۲۵۴ / ۲۹۷ / ۹۹۴۹

۱۳۸۳

۲۴۳

کتابخانه ملی ایران



مرکز پخش: زاهدان خیابان خیام - انتشارات صدیقی - تلفن: ۲۴۴۵۸۴۰ (۰۵۴۱)

نام کتاب: سیری در زندگی حضرت امام مولانا محمد قاسم نانوتوی رحمته الله علیه

تألیف: علامه سید مناظر احسن گیلانی رحمته الله علیه

ترجمه و اقتباس: صلاح الدین شهنوازی

ناشر: انتشارات صدیقی

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۸۴

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپخانه: دژ

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

شابک ۹۶۴-۸۲۷۴-۱۳-۴ ISBN 964-8274-13-4

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۷	سخنی از مترجم
۱۱	زندگی نامه مؤلف
۱۴	پیشگفتار به قلم حکیم الاسلام علامه قاری محمد طیب رحمته الله
۱۷	ولادت و سلسله نسب
۱۸	دوران کودکی
۲۱	دوران فراگیری علم
۲۵	آشنایی با حاج امداد الله و بیعت با او
۲۷	تقسیم ارث
۲۷	دوران تأهل
۲۹	احیای عقد بیوه زنان
۳۳	اصلاحات داخلی
۳۴	انقلاب سال ۱۸۵۷ م
۳۶	عوامل شرکت در انقلاب ۱۸۵۷ م
۳۷	حاج امداد الله و امام نانوتوی بعد از شکست انقلاب ۱۸۵۷
۴۰	نعمت حفظ قرآن
۴۰	علامه رشید احمد گنگوہی بعد از شکست انقلاب ۱۸۵۷ م
۴۱	اوضاع مسلمانان هند بعد از شورش ۱۸۵۷ م
۴۲	تأسیس دارالعلوم دیوبند و نهضت مولانا محمد قاسم
۴۵	اساسنامه دارالعلوم دیوبند
۴۶	آموزش علوم جدید از دیدگاه مولانا محمد قاسم نانوتوی
۴۹	آغاز مبارزه مسیحی ها بر ضد مسلمانان

۵۲	آغاز مبارزه مذهبی هندوها بر ضد مسلمانان
۵۶	مباحثه شاه جهان پور
۶۹	مناظره زرکی
۷۹	تبخر علمی
۸۲	سماع موتی
۸۳	سنت و بدعت
۸۷	تواضع و فروتنی
۸۹	مهمان نوازی
۹۰	احترام به پدر و مادر
۹۲	استغنا
۹۲	پیروی از سنت
۹۳	وعظ و سخنرانی
۹۴	اجتناب از امامت نماز
۹۵	قبول دعوت و هدیه
۹۸	خصوصیات دیگر امام نانوتوی
۱۰۳	تدریس و تربیت
۱۱۲	آخرین سفر حج
۱۱۶	از خانه خدا به سوی خدا
۱۱۹	وفات
۱۲۲	مولانا محمد قاسم نانوتوی در گفتار معاصران



سخنی از مترجم

اگر چه زندگی هر انسان معمولی و ساده نیز این ارزش را دارد که مورد دقت و اهتمام قرار گیرد و حتی در مورد فراز و فرودهای آن کتاب و مقاله نوشته شود، اما آنچه در عمل مشاهده می شود توجه و اهتمام ملتهای مختلف در جوامع و فرهنگهای گوناگون به سیره و سرگذشت اشخاص و چهره های خاصی است که در محیط خود دارای افکار و آثار ویژه ای بوده اند و موجب تغییر و تحولات سرنوشت سازی در قلمرو اندیشه و اعتقاد مردم شده اند.

از این رو کاملاً طبیعی است که زندگی نامه نویسی به عنوان یک فن و هنر خاص مورد توجه اندیشمندان و نویسندگان قرار گیرد؛ زیرا یکی از بهترین راههایی که می توان اکنون و آینده یک ملت و امت را اصلاح نمود، توجه دقیق به گذشته است و یکی از مهمترین مراحل که در این برهه باید به آن دقت داشت، حیات و اندیشه بزرگانی است که در آن مقطع زندگی کرده و با حضور غنی خود، سرنوشت بسیاری از جوانب تاریخ روزگار خود را به گونه دیگری رقم زده اند.

بنابراین برخلاف تصور عمومی و حاکم بر اندیشه بسیاری از مردم، زندگی نامه نویسی، صرفاً یک تفتن نیست، بلکه یک الزام واقعی و حقیقی است که بدون در اختیار داشتن نمونه های دقیق و کاملی از آن نمی توان بسیاری از حوادث، رخدادها و ماجراهای موجود در گذشته را تبیین و تفسیر نمود. از این رو می توان گفت که توجه به زندگی نامه نویسی تلاش علمی و فرهنگی ملت و امت زنده ای است که می خواهد با کسب اطلاع و آگاهی از گذشته خود، از آن به مثابه چراغی بر فراز راه اکنون و آینده خود استفاده کند و در پرتو آن آینده روشن خود را رقم زند.

با این حال، چنانکه گفته شد زندگی نامه نویسی فن و هنر خاصی است که مانند هر حرفه والا و مهم دیگر نیازمند شرایط و مقدمات ویژه ای است که بدون در نظر گرفتن آنها، توفیق در انجام این امر مهم، بسی دشوار و نامیسر است.

در دین اسلام و به تبع آن در فرهنگ اسلامی، توجه به حیات و زندگی بزرگان و به ویژه

چهره‌های سرشناسی که در گذشته موجب خیر و برکت فراوانی برای امت شده‌اند، از اهمیت و اعتبار شایان و قابل توجهی برخوردار است. به طوری که در قرآن مجید بارها از حیات و زندگی انبیای عظام (ع) و اولیای الهی سخن به میان آمده و حوادث و فراز و فرودهای زمانه و زندگی آنان و پیروانشان مورد بررسی واقع شده است.

در تاریخ اسلام نیز این امر و سنت حسنه پیگیری شده و هر یک از افرادی که در جریان زندگی خود موجب فایده‌ای برای این دین و امت شدند، از جوانب و زوایای مختلف مورد توجه و اهتمام علما و نسلهای آینده قرار گرفتند. به طوری که نه تنها در کتابهای عمومی تاریخ، بلکه در دسته‌بندیهای مختلف نیز مورد بررسی قرار گرفتند چنان که بسیاری از علمای بزرگ که در علوم مختلف تفسیر، حدیث، فقه، اصول و... سر رشته داشته‌اند، در فرهنگها و دانشنامه‌های مخصوص تفسیر، حدیث، فقه، اصول و... نام و یاد آنها آمده و حیات فکری و اندیشه‌های کلیدی آنها بررسی شده است. علاوه بر این فرهنگنامه‌ها یا دانشنامه‌ها که در فرهنگ اسلامی به «طبقات» مشهور است. گاهی در مورد علمای نامدار و سرشناس، آثاری تحت عنوان «مناقب» نیز پدید آمده است. بنابراین آنچه که امروزه درباره زندگی‌نامه بزرگان علم و دین مطرح است، امری نوپیدا نیست، بلکه چنانکه گفته شد سابقه‌ای طولانی در فرهنگ اسلامی دارد. بنابراین آنچه که امروزه در این باره انجام می‌شود، ناگزیر باید از این تجربه و سابقه طولانی بهره‌مند باشد تا ضمن حفظ پیوستگی با این سنت اسلامی، نمونه‌های نوینی از این فن را ارائه نماید.

آنچه که امروزه توجه به این امر را به صورت جدی الزام نموده، حرکت احیا و بیداری اسلامی در جهان است. این حرکت که در نقاط مختلف اسلامی شروع شده، بسته به محیط و عوامل و انگیزه‌های مختلف آن دارای حال و هوای خاصی است که اطلاع از این تنوعات، می‌تواند ضمن آگاهی از فعالیتهای یک حرکت خاص در بخش مشخصی از جهان اسلام، ما را در تقویت و تصحیح بسیاری از عملکردها و راهکارهای خود یاری نماید.

مذتهاست که توجه بیشتر جهان اسلام، به بخشهای عربی نشین قلمرو اسلامی معطوف است و چنان می‌نماید که انگار تنها حرکت بیداری علمی، فرهنگی و سیاسی موجود در جهان اسلام، مربوط به همین منطقه است و در جاهای دیگری از جهان اسلام، حرکتی وجود نداشته و ندارد و حرکت موجود در آنها، تابع و شاخه‌ای از آن حرکتهاست. در حالی که واقعیت مطلب و آنچه که از تاریخ برمی‌آید، امری غیر از این را اثبات می‌نماید؛ زیرا آنچه در جهان عرب اتفاق افتاده، ضمن آنکه تابعی از حوادث کلی و فراگیری است که در جهان اسلام صورت گرفته، دارای شرایط و ویژگیهای خاص خود است. از این رو نمی‌توان شرایط و حالات خاص آنها را بر تمام جهان

اسلام اطلاق نمود؛ زیرا آنچه که به طبع حوادث مربوط به آنها در جهان عرب پدید آمده، غیر از آثار و پیامدهایی است که در سایر بخشهای جهان اسلام، نظیر شبه قاره هند، رخ داده است.

به عنوان مثال حضور استعمارگران انگلیسی در مصر و پیامدهای آن، با حضور همین دسته از استعمارگران در شبه قاره هند هم از لحاظ شرایط و هم از لحاظ پیامدهای آن متفاوت است. از این رو کاملاً طبیعی است که عکس العمل علما و حوزه های دینی در برابر آن متنوع باشد. بنابراین نمی توان برای فهم دقیق ماجرای علوم دینی و عملکرد علمای دین و مصلحان و مجددان شبه قاره در برابر استعمار و یا نیازهای زمان معاصر و کنونی، به حوادث و وقایع جهان عرب یا شمال آفریقا استناد و استدلال نمود.

با این حال چنین تصور می شود که نوگرایی دینی یا حرکت های اصلاحی مربوط به حوزه های دینی، فقط در عربستان سعودی یا مصر و توابع آنها رخ داده است. در حالی که واقعیت مطلب غیر از این است و آنچه عملاً و عیناً دیده می شود، این است که شبه قاره هند و علمای پارسا و متدین آن نیز به شیوه خاص خود در این حرکت عظیم حضور زنده و فعال داشته و به نوبه خود گام های مهم و مؤثری را برداشته اند.

علمای دیوبند که امروزه در ساحت دینی، علمی، عرفانی و تبلیغی، حقیقتی انکارناپذیرند، نمونه واضح و گویای این ادعا هستند. با این حال، هنوز سیمای صادق و فعالیت های مهم و گسترده آنها در ورای ابرهای تیره و تاریبی توجهی نهان مانده و به روشنی روز نرسیده است.

بر این اساس، تلاش شد برای برداشتن گامی در این مسیر و برای تبیین برگهایی از تاریخ اسلامی در شبه قاره هند، به بررسی حیات و زندگی یکی از بزرگ مردان این مرز و بوم پرداخته شود و اندکی ابر تاریکی و نسیان از چهره این شخصیت حیات بخش کنار زده شود.

مولانا محمد قاسم نانوتوی، یکی از بزرگ مردان و پیشقراولان نهضت آزادی هند و بنیانگذار بزرگترین مرکز علوم اسلامی شبه قاره هند، یعنی دارالعلوم دیوبند، نیز چهره شاخص و ماندگاری است که برای این هدف مهم انتخاب شد؛ زیرا این مرد شریف و دوست داشتنی، چنان صلابت، دقت، فراست، بصیرت و مجاهده ای را از خود نشان داده است که حقیقتاً می توان او را در نوع خود مجددی به حساب آورد که بسته به شرایط و حالات حاکم بر زمان و زندگی خود در بسیاری از موارد تجدید اسلامی را به منصه ظهور رسانده است. از این روشکی نیست که حیات، آثار و افکار ایشان از ارزش والایی برخوردار است که می توان آن را به مثابه واسوه و الگویی برای علما و حوزویان و در نتیجه همه اهل دل و دین قلمداد نمود.

با این همه باید در نظر داشت که برای مواجهه آگاهانه با این بزرگمرد و سایر همزمان و

همکاران ایشان نیازمند درک و تشخیص جامع و والایی هستیم که بتواند بسیاری از جلوه‌های مهم و حیاتی زندگی ایشان را از افقی فراتر شناسایی و معرفی کند؛ زیرا زندگی بزرگان، حامل و حاوی افکار و پیامهای بزرگ است که در پاره‌ای موارد نیازمند شرح و بیان است که بدون وجود شخصیت‌هایی همتا و همپای آنان، کار دشوار می‌شود.

الحمد لله در مورد مولانا نانوتوی این زمینه فراهم شده و دانشمندی چون سید مناظر احسن گیلانی دربارهٔ حیات و افکار ایشان آستین بالا زده و قلم به دست گرفته است. او خود که از زمرهٔ خلف بشمار می‌رود در حقیقت نمونه‌ای از بقیة السلف است که حال و هوای سرزمینهای معنوی و معرفتی را به دیار دل ما نیز منتقل ساخته است.

کتاب حاضر تلخیص و ترجمه‌ای است از کتاب قطور و سه جلدی ایشان به نام «سوانح قاسمی»، که سیری است در زندگی مولانا نانوتوی که با تشویق و پیشنهاد استاد ارجمند مفتی محمد قاسم قاسمی به تلخیص، ترتیب و ترجمه آن اقدام شد. ناگفته نماند که علامه گیلانی در مقدمه جلد چهارم کتاب پیش‌نویس مطالبی را که در نظر داشتند، با ذکر منابع بیان نمودند که ما نیز با استفاده از منابع ایشان مطالبی را بر اصل کتاب افزودیم.

از آنجایی که اصل کتاب به سبک ویژه و منحصر به فردی نگاشته شده است، سعی شد به سبکی آسان که برای عموم نیز قابل استفاده باشد ترتیب داده شود.

امید است این کتاب در پیچه‌ای به سوی آشنایی هر چه بیشتر با علمای شبه‌قاره و خدمات گرانمایه آنان در مسیر حفاظت از ساحت مقدس دین باشد و مورد عنایت دانش‌پژوهان، علما و خیرخواهان امت قرار گیرد.

از خوانندگان محترم این کتاب درخواست می‌شود مؤلف، مترجم و همهٔ دوستانی را که در امر تهیه و چاپ این اثر همکاری نموده‌اند، از دعای خیر فراموش نفرمایند.

والسلام

صلاح‌الدین شهنوازی

حوزهٔ علمیة مخزن العلوم - خاش



زندگی‌نامه مؤلف

علامه سید مناظر احسن گیلانی در سال ۱۸۹۲ م در روستای «گیلانی» از توابع شهرستان پتنه، چشم به جهان گشود. این روستا توسط نیاکانش در هند تأسیس شده بود. از این رو نسبت دادن ایشان به گیلان، به خاطر همین روستا است، نه به خاطر انتساب به شیخ عبدالقادر گیلانی. ایشان در خانواده‌ای به دنیا آمد که در منطقه خود از نظر علمی و اقتصادی جایگاه ویژه‌ای داشت. تحصیلات ابتدایی را در منزل به پایان رساند و برای ادامه تحصیل، در سن ۱۳ یا ۱۴ سالگی روانه ایالت اسلامی راجپوتانه شد و مدت ۶ سال از محضر مولانا سید حکیم برکات احمد، بهره برد. مدتی را در اجمیر سپری کرد و پس از استفاده از محضر علمای آن دیار، برای تکمیل دروس پایانی (دوره حدیث)، راهی دارالعلوم دیوبند شد و از وجود مسعود علمای آنجا همچون حضرت شیخ‌الهند علامه محمود الحسن، علامه انور شاه کشمیری، علامه شبیر احمد عثمانی، علامه اصغر حسین و... مستفیض شد.

در دوران طلبگی، به عنوان نماینده طلاب به عضویت شورای مدیریت دارالعلوم دیوبند درآمد و با حضرت شیخ‌الهند بیعت نمود. بعد از فراغت از تحصیل، به عنوان مدیر ماهنامه دارالعلوم به نام «القاسم» انتخاب گردید و تا ۱۲ سال این مسئولیت را بر عهده داشت. سپس به پیشنهاد مولانا حمیدالدین فراهی و مشورت بزرگان دارالعلوم دیوبند در دانشگاه عثمانیه حیدرآباد دکن (جامعه عثمانیه) استخدام شد و برای مدتی ریاست بخش الهیات و معارف اسلامی این دانشگاه را بر عهده داشت و پس از سالها خدمت و تلاش علمی و فکری در سال ۱۹۵۰ باز نشست گردید. در دوران خدمت در دانشگاه، در بین دانشجویان و اساتید از محبوبیت خاصی برخوردار بود. در صفات و کمالات، نمونه زنده‌ای از علمای سلف بود. در ذکاوت و هوشیاری، دین و دیانت، اخلاق، سیرت و جامعیت علوم، یگانه روزگار بود و در همه علوم اسلامی وسعت نظر داشت. در تمام فنون، زبان و قلمش به صورت یکسان حرکت می‌کرد و

پیوسته مسائل و نکات بدیعی را درک و ارائه می نمود. مغز ورزیده و کلک سیال ایشان به هر سو که رو می نمود، حجم عظیمی از نکات ظریف و علمی را به جریان می انداخت. جهش و جوش سیل آسای اندیشه بلند ایشان همه موانع را از سر راه بر می داشت. این فیض رسانی علمی و درسی ایشان یک ربع قرن ادامه داشت. در این مدت مقالات علمی و محققانه بشماری را ارائه کرد. بر علوم قدیم و جدید مسلط بود. در شعر، تاریخ و فلسفه ید طولایی داشت. در نگارش سبک ویژه ای داشت و عموماً اصول نگارش عامه نویسندگان را رعایت نمی کرد. در نوشته هایش از اصل موضوع منحرف می شد، اما با وجود نداشتن ربط ظاهری، برجستگی و تنوع مضامین، مانع خستگی خواننده می شد.

صفحات هیچ مجله ای در هند، از زیبایی نگارش و نوشته های ایشان خالی نبود. سیمای دهها کتاب با مقدمه و پیشگفتارهای ایشان مزین شده است. در هر مذاکره و کنفرانس مهمی شرکت جسته و برتری خویش را در مباحث به اثبات می رسانید؛ چه محفل روایت محدثین بود، چه مجلس افتای فقها، چه انجمن تاریخ و چه بزم شاعران و ادیبان. خلاصه در هر محفلی، شمع انجمن بود. حضرت حکیم الامت علامه اشرف علی تھانوی پس از مشاهده نخستین کتاب ایشان به نام «ابوذر غفاری» فرمود: «مصنف این کتاب در آینده ای نزدیک محقق بزرگی خواهد شد.» این پیشگویی حضرت تھانوی، عیناً تحقق یافت. علاوه بر مضامین متعدد در رسایل و مجلات مختلف، تألیفات معروف ایشان عبارتند از: ابوذر غفاری، الدین القیم، النبی الخاتم، تدوین قرآن، تدوین حدیث، اسلامی معاشیات (اقتصاد اسلامی)، زندگی سیاسی امام ابوحنیفه، مقالات احسانی، برداشتی از سوره کھف^(۱)، سوانح قاسمی^(۲)، تذکره شاه ولی الله، افسانه فرقه گرای مسلمانان.

ایشان پیوسته مشغول فعالیت های علمی بود تا اینکه بر اثر رنجها و آلام مختلف، در اواخر سال ۱۹۵۳م دچار عارضه قلبی شد. بر اثر معالجه پزشکان تا حدودی حال ایشان بهبود یافت. اما یک سال بعد، بیماری شدت یافت. به گونه ای که پزشکان ایشان را از فعالیت های تألیفی منع کردند. با این حال، در همین ایام «سوانح قاسمی» را در سه جلد قطور به رشته تحریر درآوردند و از جلد چهارم آن هنوز چهار پنج صفحه نوشته بودند که دعوت حق را لبیک گفتند. ایشان در پنجم ژوئن

۱- این کتاب توسط علامه ابراهیم دامنی رحمۃ اللہ علیہ به فارسی ترجمه شده است.

۲- این کتاب در سه جلد تنظیم شده است. کتاب حاضر خلاصه ای از دوره سه جلدی است که با این قلم اقتباس و ترجمه شده است.

۱۹۵۶ م پس از انجام اوراد و امور روزانه خویش، به قصد استراحت دراز کشیدند و در همین خواب به لقاء الله پیوستند. انا لله و انا الیه راجعون.

علامه سید مناظر احسن گیلانی انسانی بشاش و خنده‌رو بود. با جملات کوتاه و ساده، لطیفه‌های ظریف و زیبایی مطرح می‌کرد. در بیان حق و دین، بسیار صریح و روشن سخن می‌گفت و در این زمینه مسامحه نمی‌کرد و هیچ رابطه‌ای ایشان را از اظهار حق باز نمی‌داشت. دارای طبعی صلح‌آمیز، شاد و بانشاط بود. یک بار یکی از اعضای متعصب و دو آتشه جماعت اسلامی که فکر می‌کرد مولانا دشمن جماعت اسلامی است، در قالب مجادله بحثی را آغاز کرد. علامه گیلانی به جای بحث و جدل لبخندی زد و با کمال خونسردی فرمود: «عزیزم! شما بفرمایید آیا رسول خدا ﷺ پدر حقیقی مولانا مودودی و ناپدری ما بوده است که او به تنهایی درک و فهم اسلام را از آن حضرت ﷺ به ارث برده است و ما در این ارث سهمی نداریم؟» با این جمله مولانا که با لحنی دل‌انگیز آن را بیان داشتند، مجلس بحث و جدل، با قهقهه حاضران پایان یافت. (۱)



پیشگفتار

به قلم حکیم الاسلام علامه قاری محمد طیب رحمۃ اللہ علیہ
رئیس اسبق دارالعلوم دیوبند

نگارش شرح حال و زندگینامه شخصیت‌های مذهبی و ملی از دیرباز در دنیا معمول بوده است. در این میان توجه به سیره و زندگی شخصیت‌های بزرگ تاریخ که از ویژگی‌ها و کمالات فردی خاصی برخوردار بوده‌اند و به خاطر هدف و آرمان خاصی قیام کرده و با دعوت و راهنمایی خویش، مرکز و محور ملتی قرار گرفته‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. معرفی و شناساندن سیره و حالات زندگی چنین شخصیت‌هایی به دنیا، نه تنها برای زنده ماندن نام نیک آنها ضرورت دارد بلکه مهمتر از همه این بوده که اهداف و آرمان‌های حیات‌بخش آنان ملل دنیا را زنده نگهدارد. به عبارتی دیگر نام رهبر یک ملت را پس از درگذشتش به این خاطر زنده نگه نمی‌دارند که تنها نامش زنده بماند تا با این کار به او ادای احترام کرده باشند، بلکه به این خاطر یادآوری می‌کنند که هدف، آرمان، و طرز تفکرش ادامه یابد و با تمسک به افکار و آرمان‌های او، ملتش زنده بماند.

توجه به زندگانی شخصیت‌هایی که در اوضاع نابسامان زمان به کمک ملت خویش شتافته و آنان را از چنگال نابودی و ذلت رهانیده و رهبری نموده‌اند، در واقع گامی در راستای احیای حرکت‌های اصلاحی آنان و تلاشی جهت تربیت افرادی برای ادامه دادن راه آنان است تا در آینده شخصیت‌هایی همانند آنها ظهور نماید. پس توجه به زوایای زندگی پیشوایان دینی و احیای اهداف و آرمان‌های آنان، در واقع کارخانه شخصیت سازی است که از آن سلسله تربیت فرزندگان و پیشوایان برجسته ادامه می‌یابد.

حضرت مولانا محمد قاسم نانوتوی (قدس الله سره) از شخصیت‌های برجسته قرن سیزدهم هجری می‌باشند که با علم و عمل برگزیده، اخلاص و خدایی بودن سرشار و تلاش‌ها و مجاهدت‌های خستگی‌ناپذیر خویش، نه تنها در سرزمین هند درخشید، بلکه با همت بلند و عزم راسخ خویش در دل‌های مرده روح حیات دمید و به پیکر مرده امت جان تازه‌ای بخشید.

ایشان به عنوان معجزه‌ای حیات‌بخش، زمانی برای مردم شبه‌قاره هند ظهور کرد که سرزمین هند پس از انقلاب سال ۱۸۵۷م از عظمت و شوکت هشتصد ساله خود محروم شده بود. در کنار سقوط سیاسی، بر چهره دیانت آن دیار آثار مرگ نمایان شده بود. خورشید شرق در حال غروب در غرب بود. در کنار از بین رفتن هویت ملی آنها، مسلمان بودنشان نیز داشت رخت سفر می‌پست. در سایه حکومت جدید، مسلمانان علیه اسلام قیام کردند. علوم و فنون اسلامی، آماج بی‌رحمانه‌ترین حملات قرار گرفت. شاهراه تهذیب و تمدن اسلام، تاریک و غیر قابل عبور جلوه داده می‌شد. استقلال ملی بایسته برنده سیاست فریبنده استعمار پیر، از هم می‌پاشید.

خلاصه خورشید تابناک دین و دیانت، سیاست و شوکت، علم و اخلاق و استقلال سرزمین هند با کسوف سخت و آزاردهنده‌ای مواجه شده بود و ملتی که قرن‌ها صاحب شوکت و اقتدار بود، اکنون در طوفان بی‌کسی و بی‌پناهی فرو رفته و به هر سو پست می‌شد. در چنین اوضاع و شرایطی، حجة الاسلام مولانا محمد قاسم نانوتوی (قدس الله سره) با علم، فضل، زهد و تقوای بی‌همتایش، بسان خورشیدی درخشان بر سرزمین هند تابیدن گرفت. شخصیت حیات‌بخش او با مدنظر قرار دادن تلاشها و مبارزاتش با استعمار انگلیس و فعالیت‌هایش در ترویج قرآن و سنت، و تأسیس دارالعلوم دیوبند و آغاز نهضتی عظیم، کشتی در حال غرق را به ساحل نجات رساند، زمینه‌های رشد و ترقی علمی و اخلاقی را فراهم ساخت، نقاب بی‌مسئولیتی و بی‌تفاوتی را از چهره افسرده مسلمانان کنار زد، دریچه‌ای از حیات و امید به آینده را به روی آنان گشود و سرانجام آنها را از تاریکیهای شدید بی‌دینی، کفر، استعمار، و استثمار به سوی نور هدایت و انسانیت سوق داد.^(۱)

